

قانون چک

متن کامل قانون جدید چک

مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۳

به انضمام: آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی
کشور و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه

به اهتمام: دکتر علی محمدی





قانون چک

به اهتمام: دکتر علی محمدی
 ناشر: عصر قلم
 امور گرافیکی: میم گرافیک
 چاپ و صحافی: شریف
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 قیمت: ۹.۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۰-۳۷-۴

این اثر، مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان می‌باشد. هیچ بخشی از کتاب به هیچ شکلی اعم از فتوکپی یا بازنویسی مطالب در هر گونه رسانه‌ای از جمله کتاب، لوح فشرده و مجلات، بدون اجازه کتبی ناشر قابل استفاده نیست و پیگرد قانونی دارد.

عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام - Iran. Laws, etc.
 عنوان و نام پدیدآور: قانون چک، متن کامل قانون جدید چک، مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳/۹/۱۳۹۷، به انضمام: آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه/ به اهتمام علی محمدی.
 مشخصات نشر: تهران: عصرقلم، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص: جدول؛ ۱۷×۱۱ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۰-۳۷-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 عنوان دیگر: متن کامل قانون جدید چک مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳/۹/۱۳۹۷ به انضمام: آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه.
 موضوع: چک - قوانین و مقررات - ایران
 شناسه افزوده: Checks - *Law and legislation- Iran
 رده بندی کنگره: محمدی، علی، ۱۳۶۱ - گردآورنده
 رده بندی دیویی: پ ۱۳۹۷ / ۲۱۸ : ۹۳۹ / KMH
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۹۷۵
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا

	www.agpub.ac	shop.agpub.ac	انتشارات عصر قلم را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید	
	info@agpub.ac	agpub.ac@gmail.com	@agpubac	
	۶۶۴۸ ۹۴۵۲	۶۶۴۸ ۹۵۱۳		
	خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، مجتمع تجاری فروزنده، طبقه اول، پلاک ۴۲۴			فروشگاه اینترنتی عصر قلم

فهرست مطالب

متن کامل قانون جدید چک.....	۵
برات - فته طلب - چک.....	۳۳
فصل اول - برات	۳۳
مبحث اول - صورت برات	۳۳
مبحث دوم - در قبول و نکول	۳۴
مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث	۳۶
مبحث چهارم - در وعده برات	۳۷
مبحث پنجم - ظهرنویسی	۳۸
مبحث ششم - مسئولیت	۳۸
مبحث هفتم - در پرداخت	۴۰
مبحث هشتم - تأدیه برات به واسطه شخص ثالث	۴۴
مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات	۴۵
مبحث دهم - در اعتراض (پروتست)	۵۰
مبحث یازدهم - برات رجوعی	۵۲
مبحث دوازدهم - قوانین خارجی	۵۴
فصل دوم - در فته طلب (سفته)	۵۵

- ۵۵..... فصل سوم - چک
- ۵۷..... فصل چهارم - در مرور زمان
- ۵۹..... اسناد در وجه حامل
- ۶۳..... قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۳
- ۷۸..... لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانک‌ها
- آیین‌نامه تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و چگونگی پاسخ استعلام بانک‌ها ۷۹.....
- ۸۱..... آرای وحدت رویه قانون صدور چک
- ۹۱..... نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مورد چک

متن کامل قانون جدید چک

مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۳

ماده ۱

انواع چک عبارت است از:

چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد.

چک تاییده شده، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها، به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تأیید می‌شود.

چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود.

چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۳

ماده ۱- هر کس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هرگاه محکوم به عین معین باشد آن مال اخذ و به محکوم‌له تسلیم می‌شود و در صورتی که رد عین ممکن نباشد یا محکوم به عین معین نباشد، اموال محکوم‌علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم به یا مثل یا قیمت آن استیفاء می‌شود.

ماده ۲- مرجع اجراء کننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجرائیه یا مجری نیابت، مکلف است به تقاضای محکوم‌له از طرق پیش‌بینی شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد، نسبت به شناسایی اموال محکوم‌علیه و توقیف آن به میزان محکوم به اقدام کند.

تبصره- در موردی که محکوم به عین معین بوده و محکوم‌له شناسایی و تحویل آن را تقاضا کرده باشد نیز مرجع اجراء کننده رأی مکلف به شناسایی و توقیف آن مال است.

ماده ۳- اگر استیفای محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

تبصره ۱- چنانچه محکوم‌علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم‌له آزادی وی را بدون أخذ تأمین بپذیرد یا محکوم‌علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم‌علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. در صورت رد دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی

نسبت به تسلیم محکوم‌علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می‌شود نسبت به استیفای محکوم به و هزینه‌های اجرائی از محل وثیقه یا وجه الكفاله اقدام می‌شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است. نحوه صدور قرارهای تأمین مزبور، مقررات اعتراض نسبت به دستور دادستان و سایر مقررات مربوط به این دستورها تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.

تبصره ۲- مقررات راجع به تعویق و موانع اجرای مجازات حبس در خصوص کسانی که به استناد این ماده حبس می‌شوند نیز معجزی است.

ماده ۴- چنانچه به موجب ماده (۳) این قانون محکوم‌علیه حبس شده یا مستحق حبس باشد، هرگاه مالی معرفی کند و یا با رعایت مستثنیات دین مالی از او کشف شود به نحوی که طبق نظر کارشناس رسمی مال مزبور تکافوی محکوم به و هزینه‌های اجرائی را نماید، حبس نخواهد شد و اگر در حبس باشد آزاد می‌گردد. در این صورت مال معرفی یا کشف شده را مرجع اجراء کننده رأی توقیف می‌کند و محکوم به از محل آن استیفاء می‌شود.

ماده ۵- قوه قضائیه مکلف است افرادی را که به استناد ماده (۳) این قانون حبس می‌شوند جدای از محکومان کیفری نگهداری و با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسان متقاضی کار فراهم کند. شیوه نگهداری، به کارگیری، پرداخت و هزینه کرد اجرت این اشخاص مطابق آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و ظرف سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۶- معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

تبصره- عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال بر عهده مدیون است.

ماده ۷- در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار بر عهده اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است در این صورت و نیز در

مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد هرگاه خواننده دعوای اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.

ماده ۸- مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانک‌ها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حساب‌های مذکور و نیز کلیه اموالی که او به هر نحوه نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد را ضمیمه دادخواست اعسار خود کند. در مواردی که بار اثبات اعسار برعهده مدیون است و نیز در مواردی که سابقه ملائت او اثبات شده باشد هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند باید شهادتنامه کتبی حداقل دو شاهد را به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند به دادخواست

اعسار خود ضمیمه نماید. شهادتنامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.

ماده ۹- شاهد باید علاوه بر هویت، شغل، میزان درآمد و نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار، به این امر تصریح کند که با مدیون به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته و او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد.

ماده ۱۰- پس از ثبت دادخواست اعسار دادگاه مکلف است فوراً با استعلام از مراجع ذی ربط و به هر نحو دیگر که ممکن باشد نسبت به بررسی وضعیت مالی محکوم‌علیه جهت روشن شدن اعسار یا ایسار او اقدام کند.

ماده ۱۱- در صورت ثبوت اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می‌دهد یا حکم تقسیط بدهی را صادر می‌کند. در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.

تبصره ۱- صدور حکم تقسیط محکوم به یا دادن مهلت به مدیون، مانع استیفای بخش اجراء نشده آن از اموالی که از محکوم‌علیه به دست می‌آید یا مطالبات وی نیست.

تبصره ۲- هر یک از محکوم‌له یا محکوم‌علیه می‌توانند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند. دادگاه با عنایت به نرخ تورم براساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم‌علیه نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می‌کند.

ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به رد دعوی، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خوانده دعوی اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می‌کند.

ماده ۱۳- دعوای اعسار در مورد محکوم به در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده اجرائیه و به طرفیت محکوم‌له اقامه می‌شود.

ماده ۱۴- دعوای اعسار غیرمالی است و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۵- دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

تبصره- اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار رد دادخواست وی را صادر می‌کند.

ماده ۱۶- هرگاه محکوم‌علیه در صورت اموال خود موضوع مواد (۳) و (۸) این قانون، به منظور فرار از اجرای حکم از اعلام کامل اموال خود مطابق مقررات این قانون خودداری کند یا پس از صدور حکم اعسار معلوم شود برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است دادگاه ضمن حکم به رفع اثر از حکم اعسار سابق محکوم‌علیه را به حبس تعزیری درجه هفت محکوم خواهد کرد.

ماده ۱۷- دادگاه رسیدگی کننده به اعسار ضمن صدور حکم اعسار، شخصی را که با هدف فرار از پرداخت دین مرتکب تقصیر شده است تا موجب اعسار وی گردد با توجه به میزان بدهی، نوع تقصیر، تعدد و تکرار آن به مدت شش ماه تا دو سال به یک یا چند مورد از محرومیت‌های زیر محکوم می‌کند:

- ۱- ممنوعیت خروج از کشور
- ۲- ممنوعیت تأسیس شرکت تجارتی
- ۳- ممنوعیت عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های تجارتی

- ۴- ممنوعیت تصدی مدیرعاملی در شرکت‌های تجاری
- ۵- ممنوعیت دریافت اعتبار و هرگونه تسهیلات به هر عنوان از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری عمومی و دولتی به جز وام‌های ضروری
- ۶- ممنوعیت دریافت دسته چک

ماده ۱۸- هرگاه پس از صدور حکم اعسار ثابت شود، از مدیون رفع عسرت شده یا مدیون برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است، به تقاضای محکوم‌له، محکوم‌علیه تا زمان اجرای حکم یا اثبات حدوث اعسار یا جلب رضایت محکوم‌له حبس خواهد شد. در این مورد نیز مفاد مواد (۴) و (۵) این قانون مجری است. این حکم در مورد مدیونی که به موجب ماده (۱۱) این قانون برای پرداخت دین او مهلت مناسب تعیین شده یا بدهی او تقسیط گردیده و در زمان مقرر دین خود یا اقساط تعیین شده را نپرداخته است نیز مجری است.

ماده ۱۹- مرجع اجراء کننده رأی باید به درخواست محکوم‌له به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم‌علیه در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. همچنین دادگاه باید به درخواست محکوم‌له یا خواننده دعوای اعسار به مراجع ذی ربط از قبیل ادارات ثبت محل و

شهرداری‌ها دستور دهد که براساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به محکوم‌علیه وجود دارد برای توقیف به دادگاه اعلام کند. این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اشخاص دارند نیز مجری است.

تبصره ۱- مراجع مذکور در این ماده مکلفند به دستور دادگاه فهرست و مشخصات اموال متعلق به محکوم‌علیه و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از صدور حکم قطعی به بعد را به دادگاه اعلام کنند.

تبصره ۲- مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است.

ماده ۲۰- هر یک از مدیران یا مسئولان مراجع مذکور در ماده (۱۹) این قانون که به تکلیف مقرر پیرامون شناسایی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی عمل نکند به انفصال درجه شش از خدمات عمومی و دولتی محکوم می‌شود. این حکم در مورد مدیران و مسئولان کلیه مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند و مکلفند اطلاعات خود مطابق ماده مذکور را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند نیز در صورت عدم اجرای این تکلیف مجری است.

ماده ۲۱- انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که منتقل‌الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده به عنوان جریمه أخذ و محکوم به از محل آن استیفاء خواهد شد.

ماده ۲۲- کلیه محکومیت‌های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و امثال آنها جز محکومیت به پرداخت جزای نقدی، مشمول این قانون خواهند بود.

ماده ۲۳- مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است.

تبصره- در خصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً به محکوم‌علیه اجازه خروج از کشور را می‌دهد.

ماده ۲۴- مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

الف- منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم‌علیه در حالت اعسار او باشد.

ب- اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.

ج- آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.

د- کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها

ه- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است.

و- تلفن مورد نیاز مدیون

ز- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجب پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.

تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم‌علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشارالیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع

اجراء کننده رأی نباشد به تقاضای محکوم‌له به وسیله مرجع اجراء کننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم‌علیه خواهد شد مگر اینکه استیفای محکوم به به طریق سهل‌تری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم‌علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان‌پذیر باشد که در این صورت محکوم به از طرف مذکور استیفاء خواهد شد.

تبصره ۲- چنانچه به حکم قانون مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرح‌های عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، وصول محکوم به از آن امکان‌پذیر است مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.

ماده ۲۵- چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم‌علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد به عنوان جریمه أخذ و محکوم به از محل آن استیفاء و مابقی به وی مسترد خواهد شد.

ماده ۲۶- احکام مندرج در این قانون جز احکام راجع به حبس محکوم علیه، افسار و مستثنیات دین حسب مورد در مواردی که محکوم علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است و نسبت به مدیران و مسؤولان متخلف اشخاص حقوقی مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می شود.

ماده ۲۷- مقررات این قانون در مورد گزارش های اصلاحی مراجع قضائی و آرای مدنی سایر مراجعی که به موجب قانون، اجرای آنها برعهده اجرای احکام مدنی دادگستری است و همچنین آرای مدنی تعزیرات حکومتی نیز مجری است.

تبصره- محکومیت های کیفری سازمان تعزیرات حکومتی تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری دادگاه ها است.

ماده ۲۸- آیین نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجراء شدن آن به وسیله وزارت دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

ماده ۲۹- قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ و قانون افسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ و ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسخ می شود.

قانون فوق مشتمل بر بیست و نه ماده و سیزده تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۳ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

علی لاریجانی

لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانک‌ها

مصوب ۱۳۵۹/۰۲/۲۰

ماده واحده- به بانک مرکزی ایران اجازه داده می‌شود به منظور جلوگیری از خروج اشخاصی که به بانک‌های کشور بدهکار بوده و اسامی آنان از طرف بانک‌ها به بانک مرکزی ایران اعلام شده است و همچنین واردکنندگان و صادرکنندگان که به تعهدات خود عمل ننموده‌اند، از طریق دادرسی عمومی تهران خواستار ممنوعیت خروج آنان از کشور گردد. خروج اشخاص مزبور از کشور منوط به اجازه بانک مرکزی ایران می‌باشد.

آیین‌نامه تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و چگونگی پاسخ استعلام بانک‌ها

مصوبات هیأت وزیران، تاریخ تصویب: ۱۳۷۳/۰۸/۲۵

ماده ۱- بانک‌ها مکلفند هنگام افتتاح حساب جاری برای اشخاص، مشخصات کامل شناسنامه (نام و نام خانوادگی، شماره شناسنامه، محل صدور، نام پدر، تاریخ تولد) و نشانی کامل آنان را دریافت و در کارت‌های مربوط درج نمایند.

ماده ۲- بانک‌ها مکلفند در صورت درخواست دارنده چک گواهی عدم پرداخت را بر اساس ماده (۴) قانون صدور چک با مشخصات کامل صادر کننده چک و سایر موارد مندرج در ماده یاد شده تنظیم و به دارنده چک تسلیم نمایند.

تبصره- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است رویه موجود بانک‌ها در مورد واریز وجوه چک از طریق بانکی را منطبق با این ماده اصلاح نماید.

ماده ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است با دریافت فهرست مشخصات اشخاصی که تعقیب آنان در رابطه با صدور چک بلامحل منتهی به صدور کیفرخواست شده است، فهرست اسامی و

مشخصات اشخاص مشمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک را تهیه کرده و در پایان هر ماه طی بخشنامه‌ای به بانک‌های کشور ابلاغ نماید.

تبصره- وزارت دادگستری مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید تا در اجرای این ماده مراجع قضایی اطلاعات یاد شده را بلافاصله پس از صدور کیفرخواست، به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال نمایند.

ماده ۴- بانک‌ها مکلفند حساب جاری اشخاصی را که اسامی آنان در فهرست اشخاصی مشمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک درج است، بسته و از افتتاح حساب جاری و دادن دسته چک در مدت قانونی به آنها خودداری نمایند.

ماده ۵- در مواردی که اشخاص مشمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک از ناحیه مراجع قضایی حکم برائت با قرار منع یا موقوفی تعقیب اخذ نمایند به ترتیبی که از شمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک خارج شده باشند، مراتب از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای حذف نام آنان از فهرست موضوع ماده (۳) این آیین نامه به بانک‌های کشور ابلاغ خواهد شد.

حسن حبیبی - معاون اول رییس جمهور

نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مورد چک

نظریه ۷/۸۸۶۸ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ - ا.ح.ق

«چنانچه فردی با ارائه فتوکپی مجعول شناسنامه، دسته چک از بانک اخذ نماید، عمل وی علاوه بر جعل، استفاده از سند مجعول نیز می‌باشد ولی چنانچه موفق به اخذ دسته چک از بانک نشود، عمل وی از این حیث شروع به استفاده از سند مجعول محسوب نمی‌شود. زیرا در قانون برای شروع به استفاده از سند مجعول، مجازاتی در نظر گرفته نشده است مگر در حدود ماده ۴۱ ق.م.ا.»

نظریه شماره ۷/۱۰۴۶ مورخ ۱۳۶۸/۲/۲۳

«دارنده چک در هر حال حق مراجعه به صادرکننده را دارد.»

سؤال: چنانچه دارنده چک آن را در وجه شخص ثالثی ظهرنویسی نماید و دارنده ثانوی چک علیه صادرکننده مبادرت به تقدیم دادخواست حقوقی و همزمان با پرداخت خسارات احتمالی تقاضای